

متن پرسش

با سلام: نقش زنان در جامعه ما چیست؟ امام زمان (عج) از خانم‌ها و دختران امروز چه انتظاری دارند؟ فعالیت در چه زمینه‌ای باعث خشنودی ایشان است؟ به خصوص خانم‌هایی که دانشجو هستند؟ آیا حضور در دانشگاه مورد رضایت ایشان است یا ازدواج و حضور در خانه؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم:

در هر دورانی انسان باید مطابق آن دوران که خداوند اهداف بشر را بر قلب‌اش اشراق می‌کند تکلیف دینی خود را بیابد و بنا به قول امام صاد (ع): «وَالْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ» کسی که به زمانه‌ی خود عالم است مسائل مبهم به او حمله نمی‌کند که نداند چه کار کند. زنان نیز باید خود را در این دوران بازتعریف کنند و وظیفه‌ی حضور تاریخی خود را در این دوران بیابند.

با ظهور سلسله‌ی صفویه و حضور شیعه به عنوان یک دولت، زنان شیعه نیز توانستند مطابق تاریخی که پیش آمده خود را در آن تاریخ معنا کنند، رسالتی را که باید به عهده می‌گرفتند، شناختند و به صحنه آمدند که حاصل آن تربیت نسل‌های متمادی از متدینین بود با حضوری چهارصدساله تا این‌که رضاخان برای تحقق فرهنگ غرب پا به میدان گذاشت و همان نسل به‌خوبی در مقابل تهاجم فرهنگی رضاخانی ایستادگی کردند و از آن‌جایی که کارگزاران رضاخانی هسته‌ی مقاومت را در مادران آن نسل دیدند، به صورتی ناشیانه و احمقانه به جنگ چادر زنان رفتند تا به گمان خود با رفع آن بستر، امکان سریان فرهنگ مدرنیته را در کشور ایران فراهم کنند، هرچند آن کار ناشیانه و احمقانه بود ولی در هر حال با حضور فرهنگ مدرنیته در این منطقه از طریق آتاتورک و رضاخان، تاریخ جدیدی شروع شده بود که زنان این دوران باید مثل زنان دوران صفویه در این تاریخ جایگاه خود و رسالت تاریخی خود را بیابند زیرا زمانه محتاج به تأمل تاریخی جدیدی بود.

سراسر دوران قاجار و پهلوی دوران قبض و بسط زنان متدین است که نه هنوز آمادگی حضور در تاریخ جدید با هویت دینی را یافته‌اند و نه امکان ادامه‌ی هویتی بود که در دوره‌ی صفویه برای خود تعریف کرده بودند و تاریخ جدید همچنان با شدت بیشتر شرایط باقی‌ماندن در گذشته را تنگ‌تر می‌کرد و همه‌چیز با نگاه فرهنگ غربی دیده می‌شد در آن حدّ که بعضی گمان کردند گویا یک راه بیشتر جلوی

زنان ما نمانده و آن تن دادن به هویتی است که فرهنگ غربی در جلو ما قرار داده، و متأسفانه بعضی زنان ما از این طریق قربانی چنین تحلیلی شدند در حالی که ماوراء عقل غربی که به دنبال اهداف زندگی غربی است، باید به دنبال عقل دیگری بود که نه عین عقل زن دوران صفویه است و نه عین عقل زن فرهنگ مدرنیته؛ و این یعنی تولدی دیگر برای نظر به افقی که در جلو ما قرار گرفته.

زنان نباید مثل مردان بشوند - اشتباهی که غرب مرتکب شد - ولی نباید برای فرار از مرد شدن مثل گذشته‌ای زندگی کرد که دیگر گذشته است و شرایطی پیش آمده که از حضور زن در جامعه گریزی نیست. شرایط جدید نشان داد زن برای ادامه‌ی زندگی دینی گرفتار خللی شده که نه باید در مقابل فرهنگ غربی تسلیم شود و نه امکان ادامه‌ی آن نوع زندگی که در دوران صفویه آغاز کرد، فراهم است. باید زنی متولد شود که بفهمد در این دوران چه تحولی در درون انسان‌ها پدید آمده و اسلام در این فضا چه نوع زندگی را توصیه می‌کند.

اگر یک روز در جامعه‌ی دینی با حذف عوامل فسادانگیز، مسیر دینداری جلو زنان و مردان جامعه قرار می‌گرفت و عملاً شرایط طوری جریان داشت که جز راه دینداری بقیه‌ی راه‌ها چندان هموار نبود و لذا زنان به راحتی عالم عفاف خود را نگه می‌داشتند و به مسئولیتی که می‌شناختند مشغول بودند، امروز عوامل فسادانگیز در همه‌جا هست و از طرفی بنا به شرایط پیش‌آمده زنان نمی‌توانند همواره در خانه بمانند و این‌جا است که باید «عفت» با معنایی بسیار عمیق‌تر به کمک معارفی متعالی به صحنه آید تا زنان در چنین شرایطی بتوانند مثل همیشه‌ی تاریخ، مظهر «عفاف» و «عفت» باشند و در متن آن عفت و عفاف به انجام مسئولیتی که می‌شناسند پردازند.

اگر تا دیروز با حذف فساد در جامعه، زنان با شرایطی روبه‌رو نمی‌شدند که برای حفظ عفاف خود باید سخت محتاج معارف عمیق و بلند باشند؛ ولی امروز تک‌تک زنان اگر به معارفی عمیق منور نباشند و با نور شهودی و حضوری، برهان و نور پروردگارشان را در نهی سوء نیبند امکان مقاومت در این شرایط بسیار کم خواهد بود.

زنان ما باید بدانند برای تحقق رسالت تاریخی خود، نیاز به معارفی دارند که در حفظ عفاف و حفظ حریم خانواده و تربیت فرزندان در این دوران به آن‌ها مدد برساند و این اصلی‌ترین انتخابی است که آن‌ها باید در این تاریخ بدان دست یابند تا اصلی‌ترین شخصیت خود را که «عفاف» است به صحنه آورند و در زیر سایه‌ی «عفاف»، حضور آن‌ها جهت تحقق سایر مسئولیت‌ها در جامعه مفید خواهد بود و در عین این که لازم نیست منبع اقتصادی خانواده باشند ولی مثل زنان دوران صفویه می‌توانند در امور اقتصادی هم مکمل اقتصاد خانواده باشند، نه آن که حقوق آن‌ها موجب برهم‌زدن اقتصاد جامعه گردد.

موظفیم از خود بپرسیم آن معارفی که ما را در این ظلمات به نور وارد می‌کند کدام‌اند؟ خداوند در راستای نجات حضرت یوسف (ع) از فضایی که همسر عزیز مصر در آن صحنه ایجاد کرده بود، سخن از «نور و برهانی» به میان آورد که موجب شد از آن مهلکه رها شود. قرآن می‌فرماید: «لَوْ لَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ» (یوسف/۲۴) اگر یوسف نور پروردگارش را نمی‌دید گرفتار می‌شد. و سپس در ادامه می‌فرماید: «كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ الشُّوْءَ وَ الْفَحْشَاءَ» این‌گونه زشتی و فحشاء را از او برگرداندیم. و امروز نیز باید با رؤیت پروردگار خود از فضایی که شبیه فضایی است که حضرت یوسف (ع) با آن روبه‌رو شدند رهایی بیابیم و این‌جا است که ضرورت نظر به معارف «وجودی» و «حضوری» به جای معارف «حصولی» به صحنه می‌آید تا ذیل تاریخی که به نور شخصیت اشراقی حضرت روح الله «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» تجلی کرده است، بهترین زیست نصیب ما شود و از این جهت جمع بین حضور در خانه و حضور در دانشگاه ممکن است. موفق باشید.